

بررسی اجمالی پاره‌گفتار "خسته نباشید" و چگونگی آموزش آن به غیرفارسی‌زبانان

نسیم رامبد
دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

در این مقاله به بررسی پاره‌گفتار «خسته‌نباشید» و کاربردهای مختلف آن که امروزه بیشتر به صورت اصطلاح در آمده است پرداخته شده است. دسته بندی آن براساس کاربردهایش در موقعیت‌ها و شرایط مختلف صورت گرفته‌است. این مسئله که کاربران آن چه کسانی هستند؛ بیشتر چه گروهی از آن استفاده می‌کنند؛ و همچنین شرایط و موقعیت‌هایی که فرد از آن استفاده می‌کند چیست و کجاست و جواب‌های ممکن به این جمله چه می‌تواند باشد و نیز بررسی متغیرهای جنس و سن که کاربردها و جواب‌های متفاوتی به این پاره‌گفتار دارند مورد تحلیل قرار گرفته‌است. و به جایگزینی آن با سایر واژه‌ها، بندها و جمله‌ها و این که این عمل بیشتر توسط چه کسانی و در چه جاهایی اتفاق می‌افتد نیز پرداخته شده است. مسئله‌ی مهمی که در این پژوهش به آن پرداخته شده است چگونگی آموزش این اصطلاح به غیرفارسی‌زبانانی است که در حال یادگیری زبان فارسی می‌باشند و به دلیل مسائل فرهنگی و کاربردهای فراوان آن -از جمله کاربرد کنایه آمیز و طنزگونه- بسیار دشوار و در عین حال ضروری به نظر می‌رسد. و در نهایت ترجمه آن به زبان انگلیسی مورد تحلیل قرار گرفته است.

کلید واژه‌ها: خسته نباشید، کاربرد، ترجمه، آموزش

۱. مقدمه

«خسته نباشید» پاره‌گفتاری است که کاربردهای آن در حال حاضر بیانگر خستگی از کار، تشکر و... می‌باشد که مفهوم فعلی آن فاصله‌ی زیادی از معنا و مفهوم اصلی آن در ادوار گذشته گرفته‌است.

این پاره‌گفتار وابسته به فرهنگ ایرانی است و در تمام کشورها با توجه به تنوع گفتار، آداب، رسوم و فرهنگ دیده نمی‌شود. نمی‌توان گفت که این پاره‌گفتار به‌طور حتم در کشورهایی که فرهنگ نزدیک به هم دارند وجود دارد و یا

کشورهایی که از نظر فرهنگی متفاوت و یا دور از هم هستند این پاره گفتار را ندارند. قابل ذکر این که موقعیت جغرافیایی و مذهب نیز در این مورد تاثیر ندارد.

نگارنده در تجربه شخصی آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان در دانشگاه فردوسی شاهد این مسئله بوده است. به عنوان نمونه زبان‌آموزان عراقی در زبان خود چنین اصطلاحی ندارند و آموزش آن با توضیحات بسیار همراه بود و تنها کاربرد بسامد بالای این پاره گفتار تا اندازه‌ای میسر شد. در برابر آن مردم کشور کره از این پاره گفتار استفاده می‌کنند و بعد از توضیح مختصر آن به فارسی‌آموزان کره‌ای در ایران و بیان کاربردهای آن، به ویژه کاربردها با بسامد بالا، با وجود این که سطح آن‌ها مبتدی بود متوجه منظور و کاربرد آن شدند و اذعان کردند که چنین جمله‌ای را استفاده می‌کنند و از آن پس به استفاده از آن مبادرت ورزیدند.

پاره گفتار «خسته‌نباشید» را می‌توان به دو دسته کلی: شروع و ختم گفتمان تقسیم‌بندی کرد.

شروع صحبت ← آغاز صحبت و باز کردن سر صحبت با کسی که نمی‌شناسیم، با اهداف گوناگون؛ بیشترین کاربرد آن ابراز ارادت و احترام و در برخی مواقع جایگزین سلام است؛ از دیگر موارد، پرسیدن سوال در بانک‌ها، ادارات و فروشگاه‌ها، از کسی که کاری را انجام می‌دهد (مشغول انجام کاری است) می‌باشد.

پایان و ختم صحبت ← اتمام کار؛ بیشتر فعالیت‌ها مانند کلاس‌های درس یا ورزش، جلسات مختلف، پایان امتحان و ... که منظور تا اندازه‌ای همان تشکر و به نوعی دیگر خداحافظی است.

پرسش‌های پژوهش:

۱. بیشتر چه کسانی از پاره گفتار «خسته‌نباشید» استفاده می‌کنند؟

۲. آیا کاربردها و جواب‌هایی که افراد مختلف به پاره گفتار «خسته‌نباشید» می‌دهند، با توجه به متغیرهای جنس و سن

متفاوت است؟

۳. آیا جایگزینی پاره گفتار «خسته‌نباشید» با سایر واژه‌ها، بندها و جمله‌ها اتفاق می‌افتد؟ اگر این‌طور است، بیشتر توسط چه کسانی و در چه جاهایی اتفاق می‌افتد؟

۴. آیا آموزش پاره گفتار «خسته‌نباشید» به غیر فارسی‌زبانان امکان‌پذیر است؟ و آیا ترجمه‌ی این پاره گفتار به زبان انگلیسی امکان‌پذیر است؟

فرضیه‌های پژوهش:

۱. بزرگسالان خیلی بیشتر از این پاره گفتار استفاده می‌کنند.

۲. افراد مسن‌تر پاسخ‌های پخته‌تری به این پاره گفتار می‌دهند. به نظر نمی‌رسد متغیر جنس تفاوتی در استفاده از این پاره-گفتار داشته باشد.

۳. بله، این جایگزینی بیشتر توسط بزرگسالان اتفاق می‌افتد.

۴. به این دلیل که ترجمه‌ی لفظ به لفظ این پاره گفتار به دلیل اصطلاح بودن آن باعث انتقال معنا نمی‌شود، به نظر نمی‌رسد ترجمه‌ی مناسبی برای آن وجود داشته باشد، بنابراین آموزش آن نیز تا اندازه‌ی زیادی دشوار است.

۲. پیش‌زمینه‌ی پژوهش

با توجه به بررسی‌ها و جستجوی فراوان در زمینه‌ی پژوهش حاضر تا جایی که نگارنده پیگیری کرده موردی مشابه و یا حتی نزدیک در زمینه‌ی مورد بحث صورت نگرفته است.

لازم است تا در این‌جا به بررسی معنی واژه‌ی خسته، خسته‌شدن و برخی ترکیبات آن که در واژه‌نامه و فرهنگ‌های فارسی آورده شده است و در گذشته کاربرد داشته‌اند پرداخته شود.

- خسته؛ استخوان خرما و شفتالو و زردآلو و امثال آن. (برهان قاطع). هسته. (از ناظم‌الاطباء). آزرده؛ متألم، رنجیده، دل‌تنگ، دل‌آزرده، پردرد.

مجروح، زخم خورده. (برهان قاطع) (از ناظم الاطباء) (از آندراج) (از انجمن آرای ناصری) (از فرهنگ جهانگیری). قریح، کلیم، مکوم، فکار، افکار، زخمی، زخمگین، زخمین، زخمدار.

بیمار؛ (برهان قاطع)، دردمند، رنجور، علیل، ناتندرست، ناخوش، مریض، نالنده، درمانده، کوفته، (ناظم الاطباء). در تداول امروز: مانده، زه زده، زه زده. (دهخدا، ۱۳۷۷، ۹۷۷۴-۹۷۷۳).

مجروح، آزرده. دردمند، درمانده. فرسوده و رنجیده از بسیاری کار. هسته (میوه). (معین، ۱۳۸۶، ۴۲۱).

- خسته دل؛ دل سوخته. دردمند. دلتنگ. دل فکار، دل افکار، دلخسته، غمناک، غمین، دلتنگ.

دل خسته؛ غمناک، غمین، سخت غمگین.

- خسته روان؛ دلتنگ، غمین، غمگین، ناشاد، غصه دار. خسته جان، خسته خاطر، غمناک، ملول، مهموم.

روان خسته؛ غمین، غمناک، سخت غمگین، ناشاد.

- خسته حال؛ بدبخت، پریشان، زار، غمناک، مهموم.

- خسته خاطر؛ غمناک، ناشاد، ملول، دلتنگ.

- خسته جگر؛ دردمند، دلتنگ. دل سوخته. سوخته جگر. با جگر مجروح، بسیار غمگین، بسیار ملول، سخت غمناک، سخت دل ناشاد، دل ریش.

- خسته جان؛ غمگین، دلتنگ، ناشاد، ملول، غمناک، غصه دار، غم دار، غم زده.

- خسته تن؛ مجروح بدن، زخمین تن.

- خسته بازو، زخمگین دست، زخمی بازو، با بازوی مجروح.

- پی خسته؛ پای زخمی، زخمدار، پای مجروح.

- خسته کردن؛ مجروح کردن، زخمی کردن، زخم زدن، زخم دار کردن. خسته کردن؛ خستن، مجروح کردن، جراحت رساندن، جرح، ...، آزرده دل کردن، رنجاندن. مانده کردن.

- خسته شدن؛ مجروح گشتن، مجروح شدن، جراحت برداشتن، زخمدار شدن. درمانده گشتن. وامانده شدن. (از ناظم- الاطباء). مانده شدن.

- خسته گشتن؛ مجروح گشتن، جراحت برداشتن، مجروح شدن، خسته شدن. آزرده دل شدن. رنجیدن. رنجیده خاطر شدن. (دهخدا، ۱۳۷۷، ۹۷۷۵-۹۷۷۳).

- خستن؛ مجروح کردن، زخمی کردن. آزرده شدن. مجروح شدن، زخمی شدن. آزرده شدن. (معین، ۴۲۱، ۱۳۸۶).

۳. روش پژوهش

به منظور گردآوری داده‌ها در این پژوهش که به صورت میدانی انجام شده است، سعی شده است تا از اکثر جوامع زبانی بهره گرفته شود تا نتایج مطلوب‌تر و قابل اعتمادتری به دست آید.

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها:

۴.۱. طبقه بندی داده‌ها

پس از جمع‌آوری داده‌ها به ارزیابی و بررسی آن‌ها پرداخته شد و در نهایت کاربردهای آن به هفت دسته طبقه بندی شد:

۱- تکیه کلام و به کاری که فرد انجام می‌دهد ارتباطی ندارد.

۲- ممکن است به منظور عرض احترام و ارادت و یا برای شروع و باز کردن صحبت باشد.

۳- برای جلب توجه فرد مقابل در ادارات، بانک‌ها، مغازه‌ها و ... ممکن است با سلام، بعد از آن و یا بدون آن باشد.

۴- بعد از اتمام کلاس شاگردان به استاد و یا استاد به شاگردانش می‌گوید برای ختم کلام و یا بعد از انجام هر کار دیگری

مانند جلسه. ممکن است هیچکدام واقعاً خسته نباشند.

۵- بعد از انجام کاری که واقعاً خسته کننده بوده و باعث خستگی شده است.

۶- خود کسی که آن را بیان می‌کند خسته است و می‌خواهد موضوع به اتمام برسد و یا فرد مقابل را از این مسئله آگاه سازد

و یا از زمان معمول گذشته و باز هم با گفتن آن می‌خواهد فرد مقابل را از این موضوع مطلع سازد. بیشتر در کلاس‌های

دانشگاه دوره‌ی کارشناسی یا کاردانی اتفاق می‌افتد. در دبیرستان، راهنمایی و یا دوره‌ی ارشد یا دکتری کمتر اتفاق می‌افتد و یا هرگز صورت نمی‌گیرد.

۷- کسی که کار اشتباه یا یک خراب‌کاری می‌کند و طرف مقابل با لحنی خاص می‌گوید «خسته نباشی!» و با این کار می‌خواهد او را از کاری که انجام داده مطلع سازد.

۲.۴. جواب‌های «خسته نباشید»

با توجه به الگوهای خودکار که در جفت‌های همجوار وجود دارد، خسته نباشید نیز جوابهایی دارد که با توجه به سن و جنس می‌تواند متفاوت باشد.

بچه‌هایی که تا به حال این جمله را نشنیده یا کم شنیده‌اند ممکن است جواب آن را ندانند؛ سکوت کنند یا سری تکان دهند؛ نوجوانان و برخی از جوانان با گفتن تشکری ساده مانند: مرسی، ممنون، جواب آن‌را می‌دهند و برخی جوانان نیز ممکن است جواب‌های کامل‌تری بدهند، مانند: «خیلی ممنون»، «شما هم همین‌طور!»؛ یا «من که کاری نکردم» ← که این جواب چند حالت دارد: یا واقعاً کاری نکرده است و یا شکسته نفسی می‌کند. جواب دیگر «خسته نیستم!» و یا بدون جواب همان جمله را به طرف مقابل برمی‌گرداند.

در مورد افراد میانسال و به‌خصوص مسن جواب‌های کامل‌تری می‌شنویم، مانند: «سلامت باشی!»، «در مونده نباشی!» و...

جواب‌ها می‌توانند جنبه‌ی طنز نیز داشته باشند که در ارتباطات صمیمی صورت می‌گیرند، مانند: «آره، خیلی خسته شدم!»، «کوه کندم!»، «از کت و کول افتادم!»، «خب بیا کمک!»، «تو راحت باش!».

این موارد را بیشتر هم‌سن و سال‌ها و یا افراد بزرگ‌تر به کوچک‌تر می‌گویند، و در صورتی فرد کوچک‌تر به بزرگ‌تر می‌گوید که رابطه‌ای صمیمی میان آن‌ها حاکم باشد.

۳.۴. جایگزینی با سایر واژه‌ها، بندها و جمله‌ها :

«خسته نباشید» می‌تواند با واژه‌ها یا بندهای دیگری جایگزین شود و این جایگزینی بیشتر توسط افراد میانسال و مسن صورت می‌گیرد. مانند زمانی که کاری را برای فردی مسن انجام می‌دهیم و او می‌گوید: «پیرشی»، «زنده باشی»، «دستت طلا» و ...

یا در مناطقی خاص و بیشتر کوچک مثل روستاها از «خدا قوت» یا «نه خسته» استفاده می‌شود. به نظر می‌رسد که تفاوتی که این واژه‌ها با خسته نباشید دارند این است که کار هنوز تمام نشده و ممکن است برای شروع صحبت باشد و یا صرفاً بیان خسته نباشید، لازم به ذکر است که بیشتر این کارها فیزیکی می‌باشند.

خسته نباشید توسط جوان‌ترها ممکن است با بندهای دیگری جایگزین شود:

اگر کار به اتمام رسیده باشد می‌تواند با «خیلی ممنون»، «دستتون درد نکنه» و مانند آن، که معنای نزدیک به خسته نباشید دارد جایگزین شود.

حتی ممکن است کار ذهنی باشد اما بازهم از "دست" یعنی دستتون درد نکنه استفاده شود و منظور را به درستی برساند. این اصطلاح از زمان‌های گذشته که کار با دست صورت می‌گرفته کاربرد پیدا کرده است و تا الان استفاده می‌شود و کاربرد دارد، حتی اگر کار با دست انجام نشود.

۴.۴. آموزش «خسته نباشید»

آموزش این اصطلاح همانند اصطلاحات دیگر دشوار است. دشواری بیشتر به این خاطر است که کاربردهای آن زیاد است و موارد زیادی را شامل می‌شود و مانند اکثر اصطلاحات دیگر تنها یک کاربرد ندارد. به این منظور و برای سهولت روند کار، شروع کار آموزش را براساس پر کاربردترین مورد آن می‌گذاریم که لازم به تشخیص موقعیت خاصی نمی‌باشد و آن شروع صحبت است؛ بعد از سلام و یا حتی به جای آن و یا قبل از خداحافظی، بعد از اتمام کار. شایان ذکر است که همان‌طور که کودک فارسی زبان این اصطلاح را زود فراموش می‌کند و در چند سال اول با کاربرد این اصطلاح آشنا نیست و به

مرور زمان آن را فرا می‌گیرد، از غیر فارسی زبان که تازه می‌خواهد زبان فارسی را یاد بگیرد نیز نمی‌توان انتظار داشت که این اصطلاح و یا اصطلاحات دیگر را خیلی زود و در فرصتی محدود و به راحتی فرا بگیرد، بلکه می‌توان بیشترین کاربرد آن را به افرادی که تا اندازه‌ای رشد در یادگیریشان داشته و حداقل به سطح متوسط رسیده‌اند یاد داد و به مرور کاربردهای دیگر آن را با توجه به بسامد وقوع آن و نزدیک شدن زبان آموزان به سطح پیشرفته یاد داد.

۴.۵. ترجمه «خسته نباشید»

با توجه به این که این جمله وابسته به فرهنگ است و در ایران و کشورهایی که تا اندازه‌ای فرهنگ مشابه ایران دارند مانند کره، تاجیکستان، افغانستان و... به کار می‌رود و یا حداقل این که تا جایی که دیده و شنیده می‌شود در غرب کاربردی ندارد، در ترجمه و آموزش آن با مشکلاتی مواجه می‌شویم. در مورد ترجمه، موارد زیادی ساخته شده تا جایگزین آن شود که البته زیاد دل‌چسب و گیرا نبوده و نتوانسته معنا را آن‌چنان که هدف است برساند از جمله:

- 1) Don't be tired! , Hope not to be tired or Hope not to feel tired
- 2) More power to you elbow or More power
- 3) I hope you have some breath left
- 4) Well done! or Good job

مورد اول به دلیل وجود کلمه tired و دور بودن چنین جمله‌ای از ذهن سخن‌گویان غربی، آن‌ها را گیج خواهد کرد و منظور را نخواهند فهمید. مورد دوم لزوماً نیازمند کار فیزیکی و سخت است که با دست انجام می‌شود. مورد سوم مطمئناً کاری طاقت فرساست و خیلی دور از ذهن است و به نظر نمی‌رسد کسی چنین جمله‌ای را به کار ببرد و مورد سرزنش قرار نگیرد یا تعجب فرد مقابلش را تا اندازه‌ای زیادی برنیانگیزد. اما جمله‌ی آخر، به نظر بهتر از بقیه موارد است و حتی خیلی بهتر از واژه‌ی خسته نباشید می‌باشد؛ چرا که جمله‌ی «خسته نباشید» تا اندازه‌ی زیادی بار منفی و موج منفی را با خود به همراه دارد و به دلیل وجود واژه‌ی خسته می‌تواند خستگی را در فرد مخاطب القا کند؛ در حالی که well done و یا

good job موجب مثبت و بار مثبت دارد و باعث روحیه دادن به فرد مقابل و تمجید از او و کاری که انجام داده است نیز می شود و می تواند به عنوان بهترین ترجمه و برداشت از جمله‌ی مورد نظر در نظر گرفته شود.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری:

«خسته نباشید» به دو دسته کلی آغاز و ختم بحث طبقه‌بندی می‌شود و با توجه به کاربردهای مختلف در دسته‌هایی قرار می‌گیرد از جمله: تکیه کلام، برای شروع و باز کردن صحبت، برای عرض ارادت و احترام، جلب توجه فرد مقابل، بعد از اتمام کار؛ کلاس درس، جلسه و...، برای اتمام کاری که واقعاً خسته کننده بوده و در نهایت کسی که کار اشتباهی کرده و طرف مقابل به او «خسته نباشی» می‌گوید.

«خسته نباشید» جواب‌های گوناگونی نیز می‌تواند داشته باشد که با توجه به سن و جنس متفاوت است. از موارد دیگر این است که «خسته نباشید» می‌تواند با بعضی از جمله‌ها جابه‌جا شود.

با توجه به این که «خسته نباشید» اصطلاحی است وابسته به فرهنگ، ترجمه‌ی آن به زبان دیگر و همچنین آموزش آن به غیر فارسی زبان دشوار است که در هنگام آموزش باید با موردی شروع کرد که کاربردش بیشتر از بقیه موارد است.

منابع

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷) لغت‌نامه، انتشارات دانشگاه تهران: تهران.

معین، محمد (۱۳۸۶) فرهنگ فارسی (یک‌جلدی)، انتشارات سرایش: تهران.

منابعی که دهخدا در تالیف لغت‌نامه‌ی خویش از آن‌ها بهره برده و در این پژوهش از آن‌ها استفاده شده‌است:

فرهنگ جهانگیری: تالیف میرجمال‌الدین حسین بن فخرالدین حسن انجوی شیرازی از رجال معروف هندوستان و ملقب به عنصرالدوله است. این کتاب در زمان شاهنشاهی اکبر در سال ۱۰۰۵ ه.ق. شروع و در زمان فرزند او جهانگیر به سال ۱۰۱۷ ه.ق. به پایان رسانید و در سال ۱۰۳۲ ه.ق. پس از تجدید نظر مجدداً نسخه‌ی نوینی از آن به پادشاه هند عرضه داشت.

برهان قاطع: این فرهنگ تالیف محمدحسین بن مخلف التبریزی متخلص به برهان است. کتاب برهان قاطع در سال ۱۰۶۲ ه.ق. در حیدرآباد دکن نگاشته شده.

انجمن آرا: تالیف رضاقلی خان هدایت معروف به لله باشی. این کتاب به سال ۱۲۸۸ ه.ق. در تهران به طبع رسیده است.

فرهنگ آندراج: تالیف محمدپادشاه متخلص به شادوله غلام محی‌الدین معروف به نسیم میرفشی مهاراجه آندراج راجه‌ی ولایت ویجی نگر بوده، شاعر و ادیب فارسی بوده است. تالیف کتاب در سنه ۱۳۰۶ ه.ق. به اتمام رسیده و یک سال بعد (سنه ۱۳۰۷) در شهر کلهنو به طبع رسید.

فرهنگ ناظم الاطباء: تالیف دکتر میرزا علی اکبرخان نفیسی ناظم الاطباء قدس الله سره العزیز است.

Surf and download all data from SID.ir: www.SID.ir

Translate via STRS.ir: www.STRS.ir

Follow our scientific posts via our Blog: www.sid.ir/blog

Use our educational service (Courses, Workshops, Videos and etc.) via Workshop: www.sid.ir/workshop